

رازهای میان رجه ها

قالی قهری، بی بی باف، چله نیفتد و ...؛ آیین ها و اصطلاح های جالبی که بافنده های فرش آن ها را ساخته اند و هر کدام قصه خودشان را دارند

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

پرونده

هر کدام از ما روزهای خوش زیادی را به فرش و نقش های پر پیچ و خم آن به کاریم. در کودکی، با نقش های هر فرش خیال مان را به پرواز در می آوردیم، با حاشیه های پش برای بازی های کودکان مان مرز می کشیدیم و شبیه یک جعبه مدام رنگی، با آن رنگ ها را حفظ می شدیم. حالا هم که بزرگ شدیم وقتی در خسته ترین حالت ممکن به خانه می رسیم هیچ چیز به اندازه دراز کشیدن روی فرش که باریکه ای از آفتاب به آن می تابد، نمی تواند سر حال مان بیاورد. قصه تولد هر قالی شبیه «یکی بود، یکی نبود» های کودکانه متفاوت و بی نهایت است به ویژه اگر به جای دستگاه، پای بافنده و چله دار قالی در کار باشد. این قالی ها به اندازه تار و پود تن شان زندگی دیده اند و هر روز را با احساسات بافنده از سر گذرانده اند. تلخ و شیرین، گرم و سرد، شوق و غم؛ در ست شبیه زندگی، در ست شبیه همه پیچ و خم های نقش بسته روی قالی. می خواهیم از قالی بافی صحبت کنیم. در هر نقطه از ایران، قالی بافی آیینی دارد که بعضی در میان بافنده ها مشترک و بعضی بومی است. بعضی بافنده ها وقتی پشت دار می نشینند، آرزوهای خود را در آن می بافند. شبیه زنی که سال ها در انتظار فرزند است و در گوشه ای از قالی طرح یک نوزاد را می بافت. بعضی از آن ها آواز می خوانند. آواز خواندن هنگام بافت قالی یک سکناس حیرت آور است. وزن و آهنگ با گره زدن بر تار ها هماهنگی دارد و هجاهای آواز با سرعت گره ها تنظیم می شود. قالی بافان بیشتر هنگام گره زدن می خوانند، وقت پود کشیدن آرام تر می شوند و زمانی که باید شانه بکوبند ساکت می شوند چون صدای کوبیدن شانه را نمی شود با آواز، جمع کرد. بعضی ها مطابق باورشان قالی را در یک روز فرد که مبارک است سر می اندازند چون خدا یکی است. اگر عزیزی از دست برود تا چهلمین روز دست به قالی نمی برند ولی تاری از آن می شکند تا به اصطلاح «چله نیفتد» و بر اساس این تقویم دار قالی را مهیا می کنند. گستره فرهنگ قالی بافی در ایران با توجه به حضور اقوام مختلف و نقش فعال آن ها در آن بسیار بزرگ است. ما در این مطلب برای دانستن اصطلاح هایی که در میان بافنده ها و مجموعه دار ها مرسوم است، به سراغ «یوسف صمدی بهرامی» مدرس دانشکده هنر تهران رفتیم. بخشی از این اصطلاح ها هنوز در میان بافنده ها رواج دارد، برخی منسوخ شده و بعضی هنوز سر به مهرند. مطالبی که در ادامه می خوانید حاصل همین گفت و گو است.



نقش غلط بافی | یک تحول مثبت

در مناطقی جز ایل های بختیاری، لر ها و قشقایی ها به فرش دختر باف «نقش غلط» می گویند. غلط نه به این معنا که در بافت فرش غلط و اشتباهی صورت گرفته باشد. نقش غلط به معنی خاص و متفاوت بودن آن فرش در آن منطقه است. برای مثال در منطقه ای که همه نقش ماهی یا لچک ترنج می بافند، ناگهان فرشی پیدا می شود که رنگ و نقش آن با بقیه فرش ها متفاوت است. نقشی که در آن منطقه متداول نبوده، نوآوری یا ترکیبی از مناطق دیگر در آن است و خلاصه با یک کار خاص مواجه می شوید

قالی قهری | نصفه و نیمه های زیبا



قالی قهری را نیمه کاره از روی دار پایین می آورند، شاید به نیمه رسیده باشد یا کمتر. قصه این قالی ها هم به بافنده هایی بر می گردد که به هر دلیلی دیگر نمی خواهند بافت قالی را به آخر برسانند؛ بی حوصلگی، اختلاف، ترک کار، تمام شدن نخ های یک رنگ و یک جنس، جدایی یا هر

دلیل دیگری که دل و دماغ قالی بافتن را از آن ها بگیرد. گاهی هم پیش می آید که با فوت بافنده کسی حاضر نیست کار نیمه تمام او را به آخر برساند و قصه قالی شبیه فیلم های پایان باز به آخر می رسد. در چنین وضعی قالی را تا هر کجا که بافته شده باشد به همان حالت از روی دار قبچی می کنند و می روند. دلیل نیمه تمام ماندن همه قالی های قهری لزوماً قهر نیست. بافنده در بعضی از این قالی ها حتی آن را با حاشیه کوچک می بندد و بعد بافت آن را راه می کند، به این ها قهری نمی گوئیم، ممکن است مصالحش تمام شد باشد یا هر اتفاق دیگری، مثلاً گاهی بافنده در محاسباتش اشتباه می کند و ابعاد و نخ ها بهم جور در نمی آید. این یعنی بافنده، بافت آن قالی را کنار گذاشته و دیگر هیچ کاری برایش انجام نداده. سرنوشت قالی های قهری معلوم نیست.

دختر باف | قالی های در دانه

قالی های «دختر باف» اصطلاح رایج در میان گُر ها، بختیاری ها و قشقایی هاست و شاید در مناطق دیگر به این قالی ها «نقش غلط» هم بگویند. دختر باف، به فرش هایی گفته می شود که خیلی خاص است، اصلاً در آن منطقه متداول نیست، در آن نوآوری شده و کار های عجیب و غریبی در آن انجام شده است. در هر طایفه دختری که به سن ازدواج می رسد برای این که به همه اعلام کند توانایی و مهارت بالایی دارد یک قالی می بافت که الگوی نقشه، رنگ، ترکیب و چیدمان آن با همه قالی ها متفاوت است. آن دختر چون قرار است همه مهارتش را به نمایش بگذارد، در این کار پراگندگی است. به همین دلیل شاید دیگر نتواند شبیه آن قالی را ببافد و آن قالی خاص ترین بافت عمرش باشد. او در هنگام رنگرزی، رنگ ها را طوری انتخاب می کند که چیدمان رنگ فراتر از سبک آن منطقه باشد. در تکنیک

و نقش هم همین طور است. در نقش هم نقش هایی را بر اساس باور هایی که دارد چیدمان می کند که بسیار متفاوت و خاص است. در واقع بافنده در این فرش پایش را فراتر از روش و الگوهای معمول می گذارد. از این رو چون قالی دختر باف در فرم، تکنیک و رنگ آمیزی تک است، ارزش بالایی دارد و در میان قالی های مجموعه دار ها قیمت بالایی می خورد.



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه • ۲۵ اسفند ۱۴۰۱

۲۳ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۶ مارس ۲۰۲۳

شماره ۳۱۱۷

۳۳۹۷



دلیل تغییراتی در نوع رنگ، چیدمان و نقشه صورت گرفته. این فرش اصالت اصلی خودش را دارد ولی یک تحول مثبت هم در آن اتفاق افتاده که در فرش های ورامین خیلی بارز است. در آن جا اقوام از هم تاثیر گرفته اند، برای مثال نگاره ها را از یک قوم گرفته و شبیه قوم خودشان کرده اند. در واقع کپی و تکرار نیست. به همین دلیل به آن رنسانس می گوئیم، یعنی آن چه همیشه بوده، نیست ولی ویژگی های خودش را هم دارد. این نقش غلط بافتن می تواند در ابعاد، رنگ و ترکیب هم اتفاق بیفتد، معادلات را بر هم بزند و به آن فرش ارزش بیشتری بدهد.

کشور است. این عشایر طی دوره های مختلف به دلایل متفاوت به دشت ورامین مهاجرت کرده اند چون می توانستند بیلاقی یا قشلاقی شان را در مسیر ورامین-فیروزکوه یا دماوند یک روزه انجام دهند. جمع شدن عشایر مختلف در این منطقه باعث یک رنسانس شد. به طوری که آن ها در بافت قالی از یکدیگر تاثیر می گرفتند و به همین دلیل فرش های نقش غلط در آن منطقه زیاد به چشم می خورد. طبیعی است که بعد از مهاجرت اقوام عوض می شود، گیاهان رنگرزی منطقه متفاوت است و به همین

که لزوماً بافنده آن مثل فرش های دختر باف، دختری در آستانه ازدواج نیست. این اتفاق در کوچ عشایر زیاد می افتد به ویژه در میان عشایر ورامین که کلونی بزرگی از عشایر نقاط مختلف



بی بی باف | اسم رمز

لوکس بافت ها

فرش «بی بی باف» اصطلاحی بین بافنده ها و به معنی فرش درجه یک، عالی و تمام عیار است. در اصطلاح آن ها «بی بی» همسر خان است، تمام مهارت های ممکن را دارد، متمول است و کار های خاص و سفارشی و بزرگ را انجام می دهد. البته به این معنی که این فرش ها تحت نظر او بافته می شود، یک جور هایی کارگاهی است، امضای بی بی را دارد و بر دهنده محسوب می شود. رنگ آمیزی و نقشه فرش های «بی بی باف» در حد کمال است و با عالی ترین مواد اولیه و به بهترین شکل ممکن بافته شده است. البته این اصطلاح بختیاری هاست که ما آن را در بازار تکرار می کنیم. فرش های بی بی باف می تواند در میان نقش غلط هم جا بگیرد.

[...]

چندرجه رنگ | علامت حل مسئله

چیزهایی که می گوئیم مربوط به دست بافته های روستایی است که یک نقشه دارند یا بافنده ها همیشه یک نقشه را برای بافتن تکرار می کردند. شاید دیده باشید مثلاً ۱۰ سانتی متر آخر یک فرش که زمینه سرمه ای دارد با رنگ لاک، طلایی، سبز یا رنگی کار شده است که

خیلی به چشم می آید و اصلاً با زمینه متناسب نیست. شاید هم از خودتان سوال کرده اید که چرا بافنده از رنگ متناسب تری استفاده نکرده است؟ ما همیشه فکر می کردیم شاید بافنده دیگر به نخ شیبه نخ اصلی دسترسی نداشته است و به همین دلیل چند رجه آخر را با رنگی متفاوت از زمینه اصلی بافته. تا این که چند وقت پیش در روستایی با یکی از اهالی قدیمی صحبت کردم. او با نگاه کردن به

رنگ همان چند رجه آخر تشخیص داد که مثلاً این نقش ماهی متعلق به کدام خانواده است. او می گفت این ها علامت است. در قدیم بیشتر خانواده ها بر اساس یک طرح و رنگ، فرش می بافتند. هر خانواده فرش هایش را کنار رودخانه می شست و در همان اطراف برای خشک کردن پهن می کرد. برای این که فرش های هر خانواده در چنین مواقعی با هم اشتباه گرفته نشود چند رجه آخر را با رنگی نامتناسب با زمینه اصلی می بافتند. البته این موضوع مربوط به زمانی است که فرش برای فروش نیست و بیشتر در باره عشایرها صدق می کند که فرش هایشان حالت خود مصرفی داشته است. چون در روستا معمولاً در فصل سرد سال که کار کشاورزی کم رونق است بیشتر اهالی سفارش بافت قالی می گیرند.

نقشه خوانی | تبدیل رجه به نت!

در گذشته از کنار هر کارگاه فرش، صدای آوازی هم به گوش می رسید. هر کارگاهی فردی را داشته که نقشه را با آواز خوش برای بافنده ها می خوانده است. او نقشه را به آواز تبدیل می کرد و بافنده ها هم آن چه را می شنیدند به سرعت اجرا می کردند. این روش در کارگاه هایی که فرش را قرینه می بافتند سرعت کار را بالا می برد. در مواقعی هم وقتی فرش دو بافنده دارد و نقشه، قرینه است یکی از بافنده ها در حالی که خودش مشغول گره زدن است، نقشه را می خواند تا بافنده دیگر از آن سو همان نقشه را ببافد. به این شکل که در زمان بافت اگر بافنده نقشه خوان از سمت چپ به راست گره می زند بافنده ای که در سمت دیگر دار قالی نشسته است همان گره را در جهت عکس، یعنی راست به چپ، روی چله می نشاند تا در نهایت در وسط قالی رجه ها به برسد و اگر نقشه تکراری باشد هر دو بافنده در یک جهت گره می زنند.

قالی بُران | جشن رونمایی

می رسد. البته این رسم بیشتر در روستاها اجرا می شود چون در کارگاه های روستایی، قالی بزرگ، سفارشی و با ارزش می بافتند.

